

دهم فارسی غزال

از مجموعه رشادت

حسین حسینی بیدختی





دانش‌آموزان گرامی

ورود شما را به دوره دوم متوسطه تبریک می‌گوییم. این دوره شما را برای زندگی و کار در جامعه و تحصیل در دوره‌های بالاتر آماده می‌کند. اگر بگوییم آینده شغلی شما بستگی به موفقیت تحصیلی شما در این دوره سه‌ساله دارد، اغراق نکرده‌ایم. شما برای موفقیت در این دوره باید تلاش کنید و از مشاوران و معلمان و کتاب‌های مناسب برخوردار شوید.

ما در انتشارات مبتکران، بسیار خرسندیم که کتاب‌های فارسی «غزال» را در اختیار شما قرار می‌دهیم. این کتاب‌ها که از مجموعه کتاب‌های «رشادت» به حساب می‌آیند، موفقیت تحصیلی شما را در امتحانات مدارس و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها تضمین می‌کنند...

مؤلفان مجموعه غزال، پس از آموزش هر درس همراه با مثال‌های فراوان، بانک سؤال کاملی را در اختیار شما قرار می‌دهند که شامل پرسش‌های چهارگزینه‌ای تألیفی و کنکور سالهای اخیر است. این پرسش‌ها براساس فصل‌ها و بخش‌های کتاب درسی طبقه‌بندی شده‌اند و پاسخ‌نامه آنها در انتهای کتاب آمده است.

نکاتی که در تألیف کتاب «فارسی دهم غزال» مورد توجه مؤلف بوده، به شرح زیر است:

🔹 تلاش شده تا متون نظم و نثر کتاب فارسی از دیدگاه معناشناسی، املا، آرایه‌های ادبی و دستور زبان فارسی بررسی شود.

🔹 تمامی بیت‌ها و نثرها، متن پژوهی شده و گاهی نمونه‌های معنایی مناسب برای آن، از دیگر شاعران و نویسندگان آورده شده است.

🔹 معنای واژه‌ها براساس واژه‌نامه کتاب است مگر در جایی که نیاز بوده واژه‌ای معنا شود و معنای آن در واژه‌نامه کتاب نبوده است، در این صورت از فرهنگ‌های معتبر فارسی استفاده شده است.

🔹 معنای بیت‌ها و عبارت‌ها به ساده‌ترین و قابل‌درک‌ترین شکل برای دانش‌آموزان نوشته شده است.

🔹 آرایه‌های ادبی در سطح علمی دانش‌آموزان پایه دهم است. بنابراین بیت‌ها و عبارت‌ها با این دیدگاه مورد نقد فنی قرار گرفته‌اند.

🔹 براساس رویکرد کتاب درسی که نکته‌های دستوری را در بخش متن پژوهی فقط در حد نمونه آورده است، نکته‌های دستوری متناسب برای برخی بیت‌ها و عبارت‌ها زیر همان عبارت آمده است.

🔹 پرسش‌های چهارگزینه‌ای متناسب و متنوع برای هر درس آورده شده است. در طراحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای، همه بخش‌های یک درس در نظر بوده است.

در پایان، وظیفه خود می‌دانیم از مؤلف محترم این کتاب، آقای حسین حسینی بیدختی و دبیر محترم مجموعه، که کتاب زیر نظر ایشان تألیف شده است، آقای اسمعیل محمدزاده که بنا به گزارش مؤلف در بازبینی، و غنی‌تر کردن کتاب با ایشان همکاری داشته‌اند و آقای محمدمهدی زمانی (ویراستار) تشکر کنیم.

همچنین از خانم‌ها: بنفشه دارابی که زحمت (حروفچینی) و سمیرا عاشورلو (صفحه‌آرایی) و سپیده بشیری و زهرا گودرز (طراح جلد) و بهاره خدابی (گرافیک) را برعهده داشته‌اند، بسیار ممنونیم و برای همه این عزیزان آرزوی موفقیت می‌کنیم.

انتشارات مبتکران

فهرست مطالب

عنوان صفحه

ستایش:

۸ به نام کردگار

فصل یکم: ادبیات تعلیمی

۱۴ چشمه درس یکم:

۱۸ کارگاه متن پژوهی

۲۱ گنج حکمت: پیرایه خود

۲۳ پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۳۱ از آموختن، ننگ مدار درس دوم:

۳۴ کارگاه متن پژوهی

۳۶ روان خوانی: دیوار

۴۳ پرسش‌های چهارگزینه‌ای

فصل دوم: ادبیات پایداری

۵۰ پاسداری از حقیقت درس سوم:

۵۴ کارگاه متن پژوهی

۵۶ گنج حکمت: دیوار عدل

۵۸ پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۶۳ درس آزاد (ادبیات بومی ۱) درس چهارم:

۶۴ بیداد ظالمان درس پنجم:

۶۷ کارگاه متن پژوهی

۶۹ شعر خوانی: همای رحمت

۷۵ پرسش‌های چهارگزینه‌ای

فصل سوم: ادبیات غنایی

۸۴ مهر و وفا درس ششم:

۸۷ کارگاه متن پژوهی

۸۹ گنج حکمت: حقه راز

۹۱ پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۹۶ جمال و کمال درس هفتم:

۹۹ کارگاه متن پژوهی

۱۰۱ شعر خوانی: بوی گل و ریحان‌ها

۱۰۴ پرسش‌های چهارگزینه‌ای

فصل چهارم: ادبیات سفر و زندگی

۱۱۴ سفر به بصره درس هشتم:

۱۱۷ کارگاه متن پژوهی

۱۱۹ گنج حکمت: شبی در کاروان

۱۲۱ پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱۲۶ کلاس نقاشی درس نهم:

۱۲۸ کارگاه متن پژوهی

۱۳۰ روان خوانی: پیرمرد چشم ما بود

فهرست مطالب

عنوان صفحه

۱۳۵ پرسش‌های چهارگزینه‌ای
فصل پنجم: ادبیات انقلاب اسلامی

۱۴۲ دریادلان صف شکن درس دهم؛

۱۴۵ کارگاه متن پژوهی
 ۱۴۹ گنج حکمت: یک گام، فراتر
 ۱۵۰ پرسش‌های چهارگزینه‌ای
 ۱۵۶ خاک آزادگان درس یازدهم؛

۱۵۹ کارگاه متن پژوهی
 ۱۶۰ روان خوانی: شیرزنان ایران
 ۱۶۹ پرسش‌های چهارگزینه‌ای
فصل ششم: ادبیات حماسی

۱۷۸ رستم و اشکبوس درس دوازدهم؛

۱۹۱ کارگاه متن پژوهی
 ۱۹۴ گنج حکمت: عامل و رعیت
 ۱۹۶ پرسش‌های چهارگزینه‌ای
 ۲۰۳ گرد آفرید درس سیزدهم؛

۲۱۵ کارگاه متن پژوهی
 ۲۱۷ شعر خوانی: دلبران و مردان ایران زمین
 ۲۲۱ پرسش‌های چهارگزینه‌ای
فصل هفتم: ادبیات داستانی

۲۳۰ طوطی و بقال درس چهاردهم؛

۲۳۶ کارگاه متن پژوهی
 ۲۳۸ گنج حکمت: ای رفیق
 ۲۴۱ پرسش‌های چهارگزینه‌ای
 ۲۴۷ درس آزاد (ادبیات بومی ۲) درس پانزدهم؛

۲۴۸ خسرو درس شانزدهم؛
 ۲۵۶ کارگاه متن پژوهی
 ۲۵۷ روان خوانی: طرّازان
 ۲۶۰ پرسش‌های چهارگزینه‌ای
فصل هشتم: ادبیات جهان

۲۶۸ سپیده دم درس هفدهم؛

۲۷۲ کارگاه متن پژوهی
 ۲۷۵ گنج حکمت: مزار شاعر
 ۲۷۷ پرسش‌های چهارگزینه‌ای
 ۲۸۱ عظمت نگاه درس هجدهم؛

۲۸۶ کارگاه متن پژوهی
 ۲۸۸ سه پرسش روان خوانی؛
 ۲۹۰ الهی نیایش؛
 ۲۹۲ پرسش‌های چهارگزینه‌ای
 ۲۹۸ پاسخ نامه تشریحی:

ستایش



ستایش

به نام کردگار

به نام کردگار هفت افلاک الهی، فضل خود را یار ما کن
تویی رزاق هر پیدا و پنهان زهی گویا ز تو، کام و زبانم
چو در وقت بهار آبی پدیدار فروغ رویت اندازی سوی خاک
گل از شوق تو خندان در بهار است هر آن وصفی که گویم، بیش از آنی
نمی‌دانم، نمی‌دانم، الهی که پیدا کرد آدم از کفی خاک
ز رحمت، یک نظر در کار ما کن تویی خلاق هر دانا و نادان
تویی هم آشکارا، هم نهانم حقیقت، پرده برداری ز رخسار
عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک از آنش رنگ‌های بی‌شمار است
یقین دانم که بی‌شک، جان جانی تو دانی و تو دانی، آنچه خواهی

«عطار نیشابوری، الهی‌نامه»

قالب شعر: مثنوی

۱. به نام کردگار هفت افلاک که پیدا کرد آدم از کفی خاک

متن پژوهی

کافی: افلاک، خاک

هفت افلاک: هفت آسمان، در قدیم معتقد بودند که خداوند، آسمان‌ها را در هفت طبقه آفریده است و آن هفت عبارت است از:

ماه، عطارد، زهره، خورشید، مریخ، مشتری، زحل

پیدا کرد: آشکار ساخت، بوجود آورد

کردگار: خداوند، ایجادکننده

مجاز: ۱) کفی مجاز از مقداری ۲) هفت افلاک مجازاً همه موجودات

تلمیح: بیت اشاره دارد به خلقت انسان از خاک، در قرآن کریم، سوره الرحمن آیه ۱۴ می‌خوانیم: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ» ترجمه: انسان را از گل خشک همچون سفال آفرید.

معنی: به نام خداوند همه موجودات که انسان را از خاک آفرید.

قربابت مفهومی:

❁ خاک ما گل کرد در چل بامداد بعد از آن جان را در او آرام داد (عطار)



۲. الهی، فضل خود را یار ما کن ز رحمت، یک نظر در کار ما کن

متن پژوهی

کافی: یار، کار

ردیف: ما کن

هممت: بخشایش، مهربانی، دلسوزی

فضل: لطف، توجه، رحمت، احسان - که از خداوند می‌رسد.

ندا و منادا: الهی، (خدایا)

واژه‌آرایی: تکرار مصوت «ا» و صامت «ر»

یار کردن: همراه کردن

جناس: یار، کار - را، ما

معنی: خدایا، از نعمت‌های خود به ما ببخش و با مهربانی و لطف به کار ما نظر کن.

مفهوم: طلب بخشش و رحمت از خدا

قرابت مفهومی:

گفته‌ای بر زاری افتادگان بخشش کنم اینک آن افتاده زارم، خداوند ببخش (اوحدی)



۳. تویی رزاقِ هر پیدا و پنهان تویی خلاقِ هر دانا و نادان

متن پژوهی

قافیه: پنهان، نادان

مراعات نظیر: رزاق، خلاق

رزاق: روزی‌دهنده

تلمیح: بیت به صفات خداوند و آیات قرآن اشاره دارد.

معنی: خدایا، تو روزی‌دهنده به هر موجود پیدا و پنهان و به وجود آورنده هر موجود دانا و نادان هستی.

مفهوم: شمول رحمت و بخشش خدا

قرابت مفهومی:

قسام سپیدی و سیاهی روزی ده جمله مرغ و ماهی (اوحدی)



۴. زهی گویا ز تو، کام و زبانم تویی هم آشکارا، هم نهانم

متن پژوهی

قافیه: زبانم، نهانم

زهی: آفرین، خوشا، شگفتا، هنگام اظهار خشنودی یا شگفتی از چیزی یا تشویق و تحسین کسی گفته می‌شود.

تضاد: آشکارا، نهان

کام: دهان

مراعات نظیر: گویا، کام، زبان

تلمیح: بیت به «آیه ۴ سوره الرحمن» اشاره دارد. «عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» ترجمه: به او گفتن آموخت.

معنی: خدایا، آفرین بر تو که به من توان سخن گفتن دادی. خدایا همه چیز من تویی. (همه وجودم از توست).

مفهوم: لطف فراوان خدا

قرابت مفهومی:

به حکمت زبان داد و گوش آفرید که بنشانند صندوق دل را کلید (سعدی)



۵. چو در وقت بهار آبی پدیدار حقیقت، پرده برداری ز رخسار

متن پژوهی

قافیه: پدیدار، رخسار

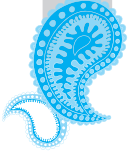
آبی: می‌آبی، فعل مضارع اخباری، از مصدر «آمدن» در معنای «شدن»

واچ آرای: تکرار صامت «ر»

پدیدار: نمایان، آشکار

پرده بردار: نمایان کن، آشکار کن





کنایه: پرده‌برداری ز رخسار ← خود را می‌نمایانی، خود را آشکار می‌سازی
معنی: خدایا؛ وقتی که در بهار با زیبایی‌های طبیعت پدیدار می‌شوی؛ در حقیقت می‌خواهی خود را به انسان‌ها بشناسانی.
مفهوم: توصیه به تأمل در طبیعت برای شناخت حق.
قرابت مفهومی:

برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقش دفترست معرفت کردگار (سعدی)



۶. فروغ رویت اندازی سوی خاک عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک

متن پژوهی

قافیه: اندازی ، سازی
مجاز: عجایب نقش‌ها، (مجاز) از زیبایی‌های طبیعت
استعاره: فروغ رو، رو مانند آفتاب یا ماه (مشبّه به محذوف) نور و فروغ دارد.
عجایب نقش‌ها: ترکیب وصفی مقلوب است. یعنی جای موصوف و صفت عوض شده است. هم‌چنین در زبان فارسی موصوف چه مفرد باشد چه جمع، صفت علامت جمع نمی‌گیرد و آوردن «نقش‌های عجایب» نادرست است.
معنی: خدایا؛ در بهار چهره خود را به خاک می‌تابانی و این همه گل و گیاه رنگارنگ در زمین می‌آفرینی.
مفهوم: توصیه به تأمل در طبیعت
قرابت مفهومی:

۱) خیز تا بر کلک آن نقّاش جان افشان کنیم
 ۲) این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود
 کاین همه نقش عجب در گردش پرگار داشت (حافظ)
 هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار (سعدی)



۷. گل از شوقِ تو خندان در بهار است از آتش رنگ‌های بی‌شمار است

متن پژوهی

قافیه: بهار، بی‌شمار
ردیف: است
استعاره و تشبیه: شاعر صفت انسانی خندان بودن را به گل داده است. این کاربرد «جان بخشی یا تشخیص» است که استعاره را نیز می‌سازد. یعنی شاعر گل را به انسانی تشبیه کرده و سپس «مشبّه‌به» را حذف کرده است.
مراعات نظیر: گل، بهار، رنگ
معنی: خدایا؛ سبب شکوفایی گل در بهار تویی و سبب رنگارنگی گلها تو هستی.
توجه: گاهی شاعر یا نویسنده عَلت ادبی و زیبا در نوشته خود به کار می‌برد که به آن «حُسن تعلیل» می‌گوییم. در این بیت شاعر برای شکوفایی گل و رنگارنگی آن، عَلت زیبا و ادبی آورده است.



۸. هر آن وصفی که گویم، بیش از آنی یقین دانم که بی‌شک، جان جانی

بناس: آن، جان

جان جانی: جان جان هستی. («ی» فعل اسنادی است)

قافیه: آنی، جانی

وصف: ویژگی

بیش از آنی: بیش از آن هستی («ی» فعل اسنادی است)

جان جان: منظور روح اعظم است. جان مایه و اصل جانها و روحها (خدا)

معنی: خدایا! من هر توصیفی که در مورد تو به کار ببرم تو از آن برتر هستی و یقین دارم که تو اصل هر چیز هستی.

مفهوم: عظمت الهی و ناتوانی شاعر از توصیف خدا.

قرابت مفهومی:

❁ (۱) تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی تو نمایندۀ فضلی تو سزاوار ثنایی (سنایی)

❁ (۲) نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی (سنایی)



۹. نمی دانم، نمی دانم، الهی تو دانی و تو دانسی، آنچه خواهی

قافیه: الهی، خواهی

تضاد: نمی دانم، دانی

واچ آرای: گوش نوازی صداهای «د»، «ا»، «ن»

تکرار: نمی دانم، تو، دانی

تلمیح: بیت به بخشی از «آیه ۲۶ سوره بقره» اشاره دارد. «وَاللّٰهُ يَعْلَمُ وَ اَنْتُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ» **ترجمه:** خداوند می داند و شما نمی دانید.

معنی: خدایا! من چیزی نمی دانم و تو به هر آنچه که بخواهی آگاه هستی.

مفهوم: اقرار به نادانی انسان و دانش الهی

قرابت مفهومی:

❁ شرح او جز حق ندادند هیچ کس شرح او دانند یکی، الله و بس (عطار)



یادداشت

A large light blue rectangular area with rounded corners, containing horizontal dashed lines for writing.

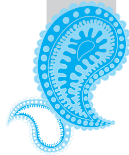
ادبیات تعلیمی

در این فصل، متن‌هایی را می‌خوانیم که در آنها شاعر یا نویسنده، خواسته است موضوع و مفهومی رفتاری، اخلاقی یا مسئله‌ای اجتماعی و پندآموز را به شیوه‌ی اندرز بازگو کند؛ برای این کار از داستان یا حکایت در قالب شعر و نثر بهره گرفته است؛ به این‌گونه آثار ادبی، «ادبیات تعلیمی» می‌گویند. اثر تعلیمی، اثری است که با هدف آموزش و تعلیم، موضوع‌هایی از حکمت، اخلاق، مذهب یا دانشی از معارف بشری را بیان می‌کند. آثار تعلیمی می‌توانند تحلیلی - ادبی باشند تا مسئله‌ای را به صورت روایی یا نمایشی با جذابیت بیشتر ارائه دهند. از این‌گونه آثار ادبی، به ویژه در کتاب‌های درسی و ادبیات کودک و نوجوان بهره می‌گیرند. بسیاری از شاهکارهای ادبی (قابوس‌نامه، کلیله و دمنه، گلستان، بوستان، مثنوی معنوی) و آثار طنز، جنبه‌ی تعلیمی دارند.

شعرهای تعلیمی در دوران گذشته بیشتر اخلاقی و مذهبی و عرفانی بوده‌اند اما از دوره‌ی مشروطه رنگ و بوی سیاسی و اجتماعی نیز گرفته‌اند.

فصل ۱





درس اول

چشمه

چشمه از درس‌های نمادین کتاب است.

چشمه نماد مردم خودبین و خودپرست است. در ابتدا با باران و سپس با دریا مقایسه می‌شود.

چشمه در مقایسه با دریای بزرگ و سخاوتمند خود را می‌بازد.

قالب شعر مثنوی است. گویا نیما تسلط کاملی بر شعر کلاسیک فارسی داشته و با این وجود به سراغ تغییر و تحول در پایه‌های شعر فارسی می‌رود.

۱. گشت یکی چشمه ز سنگی جدا غلغله زن، چهره‌نما، تیزپا

متن پژوهی

قافیه: جدا، تیزپا

گشت: شد (فعل اسنادی)

غلغله زن: شور و غوغاکنان

تیزپا: تندرو، تیزرو

نماد: چشمه نماد انسان مغرور و متکبر

معنی: چشمه‌ای غوغاکنان، صاف و تندرو از سنگی جدا شد.

چهره‌نما: نمایان‌گر چهره، در اینجا منظور صاف و شفاف بودن است.

استعاره و تشفیص: غلغله و هیاهو به چشمه نسبت داده شده است.

کنایه: چهره‌نما بودن ← صاف و شفاف بودن

کنایه: تیزپا بودن ← بسیار تندرو و تیزرو بودن



۲. گه به دهان، برزده کف، چون صدف گاه چو تیری که رود بر هدف

متن پژوهی

قافیه: صدف، هدف

مراعات نظیر: تیر، هدف - دهان، کف

مجاز: دهان، منفذ و سوراخی که آب از آن بیرون می‌آید.

تشبیه: چشمه به صدف تشبیه شده است. (مشبه: چشمه، مشبه‌به: صدف، وجه‌شبه: کف داشتن در دهان)

تشبیه: چشمه به تیر تشبیه شده است. (مشبه: چشمه، مشبه‌به: تیر، وجه‌شبه: صاف و به سرعت رفتن)

تشفیص و استعاره: کف به دهان داشتن چشمه، چشمه به انسانی تشبیه شده که کف به دهان دارد. (مشبه‌به) محذوف است.

معنی: چشمه آب گاهی مانند صدف، کف و حباب داشت و گاهی به سرعت تیری که به سمت هدف می‌رود، بود.



۳. گفت: درین معرکه، یکتا منم تاج سر گلبن و صحرا، منم

متن پژوهی

قافیه: یکتا، صحرا

(دیف: منم)

معرکه: میدان جنگ، جای نبرد

یکتا: تنها، تک، بی‌رقیب

استعاره: معرکه، استعاره از پدیده‌های طبیعت

تشبیه: چشمه به تاج

معنی: در بین پدیده‌های طبیعت، من بی‌نظیرم و سرور گل‌ها و دشت‌ها هستم.

گلبن: بوته یا درخت گل، به ویژه بوته گل سرخ

تشفیص: سر گلبن، سر صحرا، به گلبن و صحرا جان‌بخشی شده است.

مراعات نظیر: گلبن، صحرا

تشفیص: گفتن توسط چشمه

منم: من هستم، «م» فعل اسنادی است.

کنایه: «تاج سر بودن» ← کنایه از باعث افتخار بودن

مفهوم: غرور و تکبر و خودبزرگ‌بینی

۴. چون بدوم، سبزه در آغوش من بوسه زند بر سر و بر دوش من

متن پژوهی

قافیه: آغوش، دوش

بنیاد: سر، بر

مراعات نظیر: (۱) سر، دوش (۲) آغوش، بوسه

تشخیص: بوسه زدن سبزه، سبزه به انسانی تشبیه شده که بوسه می‌زند. (حذف مشبّه‌به) (استعاره)

تشخیص: دویدن چشمه، آغوش چشمه، چشمه به انسانی تشبیه شده که می‌دود و آغوش‌باز می‌کند (حذف مشبّه‌به) (استعاره)

کنایه: بوسه زند بر سر و بر دوش من ← مرا دوست دارد، به من احترام می‌گذارد.

معنی: وقتی که می‌دوم، سبزه مرا در آغوش می‌گیرد و غرق بوسه می‌کند.

مفهوم: خود بزرگ‌بینی و غرور، فخرفروشی.



۵. چون بگشایم ز سر مو، شکن ماه ببیند رخ خود را به من

متن پژوهی

قافیه: شکن، من

به: به وسیله، با

مراعات نظیر: مو، رخ

استعاره و تشخیص: (۱) ماه رخ خود را می‌بیند. (۲) باز کردن پیچ و شکن موی چشمه

کنایه: چون بگشاید ز سر مو شکن ← صاف شدن آب، شفاف بودن آب

معنی: وقتی که صاف شوم، (چین و شکن نداشته باشم) چهره‌ماه در من منعکس می‌شود. (ماه می‌تواند خود را در من که چون آینه‌ام ببیند)



۶. قطره باران که در افتد به خاک زو بدمد بس گهر تابناک

متن پژوهی

قافیه: خاک، تابناک

به: کوتاه شده «از او»

واچ آرای: تکرار و گوش‌نوازی حرف‌های «ر» و «ب»

تهر تابناک: استعاره از گل‌ها و گیاهان و سبزه‌ها

معنی: قطره باران که به زمین می‌چکد، گل و گیاه رنگارنگ بوجود می‌آورد.....

توجه: این بیت و بیت هفت «موقوف‌المعانی» هستند.



۷. در بر من، ره چو به پایان برد از خجلی سر به گریبان برد

متن پژوهی

قافیه: پایان، گریبان

به: کوتاه شده «راه»

بر: برابر، مقابل، روبرو

دیف: برد

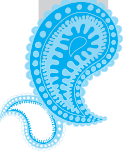
فعلی: شرمساری

بنیاد: (۱) بر، در (۲) در، سر

کنایه: سر به گریبان بردن ← سر پایین انداختن و خجالت کشیدن

واچ آرای: تکرار صدای «ر»
معنی: ... سرانجام در مقابل من شرمنده می‌شود.





۸. ابر ز من، حامل سرمایه شد باغ ز من صاحب پیرایه شد

متن پژوهی

قافیه: سرمایه، پیرایه

حامل: حمل کننده، دارا

ز: کوتاه شده «از»

پیرایه: زیور، زینت

ردیف: شد

استعاره: پیرایه، استعاره از گل‌ها و میوه‌ها و سبزه‌ها

استعاره: سرمایه، استعاره از باران

معنی: ابر از وجود من باران‌زا و باغ از وجود من صاحب گل می‌شود.

توجه: یک‌یک واژه‌های دو مصراع را از نظر وزن و آهنگ با هم بسنجید.



۹. گل به همه رنگ و برازندگی می‌کند از پرتو من زندگی

متن پژوهی

قافیه: برازندگی، زندگی

برازندگی: شایستگی، لیاقت

تشخیص: زندگی کردن گل

معنی: گل با همه رنگارنگی و شایستگی که دارد؛ زندگی را مدیون من است.

پرتو: فروغ، روشنایی، بازتاب نور

به همه: با وجود



۱۰. در بُنِ این پرده نیلوفری کیست کند با چو منی همسری؟

متن پژوهی

قافیه: نیلوفری، همسری

نیلوفری: صفت نسبی، منسوب به نیلوفر، به رنگ نیلوفر، لاجوردی؛

واژه‌آرایی: تکرار حرف «ن» و «ی»

استعاره: پرده نیلوفری، استعاره از آسمان لاجوردی

کنایه: همسری کردن ← برابری کردن

پرسش انکاری: بیت به صورت پرسش انکاری مطرح شده است و پاسخ منفی آن در درون بیت است.

معنی: در این دنیا (زیر آسمان کبود) هیچ‌کس نمی‌تواند مانند من باشد.

بن: پایان، آخر، در اینجا «زیر» معنا می‌دهد.

همسری: برابری

تشبیه: کی (او) به من (چشمه)



۱۱. زین نمط آن مست شده از غرور رفت و ز مبدأ چو کمی گشت دور

متن پژوهی

قافیه: غرور، دور

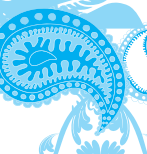
مبدأ: سرچشمه، محلی که چشمه آغاز می‌شود.

تشخیص: مستی و غرور چشمه، چشمه مانند انسان، غرور و مستی دارد (مشبّه به محذوف)

نماد: در این چند بیت، چشمه نماد انسان خودبین و مغرور است و شاعر به این نماد می‌گوید: غرور سرانجام خوبی ندارد.

معنی: این چشمه، سرمستانه و مغرور وقتی که از سرچشمه خود دور شد.....

توجه: این بیت با دو بیت بعدی موقوف‌المعانی است.



۱۲. دید یکی بحر خروشنده‌ای سهمگنی، نادره جوشنده‌ای

متن پژوهی

قافیه: خروشنده‌ای، جوشنده‌ای
فروشنده‌ای: دارای خروش و صدا، نالان، فریادکنان
نادره: بی‌همتا، شگفت‌آور
واج‌آرایی: تکرار «د» و «ن»
تشخیص: بحر خروشنده، دریا مانند انسانی که می‌خروشد. (مشبّه‌به محذوف) استعاره.
معنی: ... دریای خروشان و ترسناک و بی‌نظیری را دید.



۱۳. نعره برآورده، فلک کرده کر دیده سیه کرده، شده زهره در

متن پژوهی

قافیه: کر، زهره در
فلک: آسمان
تشخیص: ۱) دریا نعره برآورد، ۲) دیده سیه کرد، دریا به انسانی تشبیه شده که نعره برمی‌آورد و دیده سیه می‌کند (مشبّه‌به محذوف) استعاره.
کنایه: دیده سیه کرده ← بی‌رحم و مهیب
کنایه: فلک کرده کر ← صدای بلند از دریا به آسمان بلند بود.
تشخیص: فلک را کر کرد. جان‌بخشی به فلک (استعاره) **اغراق:** اغراق در توصیف بلندی صدای دریا
زهره: مایع زرد رنگ و تلخ موجود در کیسهٔ صفرا. اگر کیسه صفرا پاره شود و مایع موجود در آن در بدن پخش شود؛ شخص شجاعتش را از دست می‌دهد. در قدیم معتقد بودند محل شجاعت در بدن، زهره است.
معنی: آن دریا، پر جوش و خروش و مهیب و بی‌رحم و ترسناک بود.



۱۴. راست به مانند یکی زلزله داده تنش بر تن ساحل، یله

متن پژوهی

قافیه: زلزله، یله
تشبیه: به مانند یک زلزله، دریا به زلزله تشبیه شده است. **یله:** رها، آزاد، یله دادن: تکیه دادن
تشخیص: ۱) تن ساحل، ۲) تن دریا. دریا و ساحل مانند انسان تن دارند (مشبّه‌به محذوف) استعاره.
معنی: دریا درست مانند یک زلزله در ساحل پخش شده بود.



۱۵. چشمهٔ کوچک چو به آنجا رسید وان همه هنگامهٔ دریا بدید

متن پژوهی

قافیه: رسید، بدید
هنگامه: غوغا، داد و فریاد، شلوغی، جمعیت مردم
مجاز: چشمه، منظور از چشمه در این بیت آب چشمه است. مجازاً آب
تشخیص: چشمه دید، دیدن توسط چشمه تشخیص و استعاره دارد.





تضاد: چشمه، دریا (تضاد محتوایی)
توهیه: گاهی دو واژه فقط در بیت یا عبارت مورد نظر مفهوم مقابل دارند و بیرون آن بیت و عبارت تضاد ندارند. مانند: «زگهواره تا گور دانش بجوی» (گهواره و گور در این مصراع تضاد محتوایی دارند).
معنی: وقتی که چشمه کوچک به دریا رسید و عظمت دریا را دید.....



۱۶. خواست کزان ورطه، قدم درکشید خویشتن از حادثه برتر کشید

متن پژوهی

قافیه: در، برتر
ورطه: گرداب، گودال، مهلکه، گرفتاری
کزان: کوتاه شده «که از آن»
معنی: چشمه خواست که از آن مهلکه (جای خطرناک) دور شود و خود را از خطر دور سازد.



۱۷. لیک چنان خیره و خاموش ماند کز همه شیرین سخنی، گوش ماند «نیما یوشیج (علی اسفندیاری)»

متن پژوهی

قافیه: خاموش، گوش
فیره: سرگشته، حیران، فرومانده
مس آمیزی: شیرین سخنی، واژه‌های مربوط به چشایی و گویایی به هم آمیخته شده است.
کنایه: از همه شیرین سخنی گوش ماند «لیک» به جای صحبت فقط گوش کرد.
تشخیص: خیرگی و خاموشی آب چشمه
معنی: ولی چشمه چنان سرگشته و خاموش شد که دیگر نمی‌توانست حرف بزند و فقط می‌توانست گوش بدهد.
مفهوم: شکسته شدن غرور چشمه

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

۱. معنای واژه‌های مشخص شده را با معادل امروزی آنها مقایسه کنید.
 در بن این پرده نیلوفری کیست کند با چو منی همسری؟
 برابری

▶ واژه «همسر» امروزه به معنای زن یا شوهر است.
راست به مانند یکی زلزله داده تنش بر تن ساحل یله
 درست - به درستی

▶ واژه «راست» امروزه به معنای مستقیم است.
 ۲. بیت زیر را براساس ترتیب اجزای جمله در زبان فارسی، مرتب کنید.
 «گشت یکی چشمه ز سنگی جدا غلغله‌زن، چهره‌نما، تیزپا»

به چند نکته توجه کنید:

- ▶ در زبان فارسی جمله سخنی است که از نهاد و گزاره تشکیل شده است.
- ▶ همهٔ جمله‌ها نهاد دارند. (مگر جمله‌های استثنایی)
- ▶ نهاد صاحب جمله است و با پرسش‌های «چه کسی»، «چه چیزی»، «چه کسانی» و «چه چیزهایی» یافته می‌شود.
- ▶ گزاره سخنی است که در مورد نهاد می‌آید.
- ▶ گزاره می‌تواند فقط یک فعل باشد و یا مفعول، مسند، متمم و قید نیز داشته باشد.

پاسخ پرسش:

«گشت یکی چشمه ز سنگی جدا غلغله‌زن، چهره‌نما، تیزپا»

ترتیب: یکی چشمه غلغله‌زن، چهره‌نما، تیزپا ز سنگی جدا گشت.

نهاد صفت صفت صفت متمم مسند فعل

توجه: این بیت را به صورت زیر نیز می‌توان مرتب کرد. یک چشمه غلغله‌زن چهره‌نمای تیزپا زسنگی جدا گشت.

نهاد قید قید متمم مسند فعل



قلمرو ادبی

۱. هر یک از بیت‌های زیر را از نظر آرایه‌های ادبی بررسی کنید.

چون بگشایم ز سر مو، شکن ماه ببیند رخ خود را به من

▶ **کنایه:** چون بگشاید ز سر مو، شکن

▶ **تشخیص:** (۱) چشمه موی خود را صاف کند. (۲) ماه رخ خود را ببیند.

▶ **تشبیه:** تشبیه چشمه به ماه و بلکه زیباتر از ماه.

گه به دهان بر زده کف چون صدف گاه چو تیری که رود بر هدف

▶ **تشبیه:** (۱) چشمه به صدف تشبیه شده است. (۲) چشمه به تیر تشبیه شده است.

▶ **جناس:** هدف، صدف

۲. با توجه به شعر نیما، «چشمه» نماد چه کسانی است؟

● انسان‌های خودبین و خودپرست و متکبر

۳. آمیختن دو یا چند حس، در کلام را «حس آمیزی» می‌گویند: نمونه: «حرف‌هایم مثل یک تکه چمن روشن بود.»

و یا یک حس با پدیده‌ای ذهنی (انتراعی)،

در این نمونه، سپهری از «روشن بودن حرف» سخن گفته است. «روشن بودن» امری دیدنی و «حرف»،

شنیدنی است. شاعر در این مصراع، دو حس بینایی و شنوایی را با هم آمیخته است.

▶ نمونه‌ای از کاربرد این آرایهٔ ادبی را در سرودهٔ نیما بیابید.

لیک چنان خیره و خاموش ماند کز همه شیرین‌سخنی گوش ماند

حس آمیزی

پند نمونهٔ دیگر:

۱. بوی بهبود ز اوضاع جهان می‌شنوم شادی آور گل و باد صبا شاد آمد (حافظ)

_____ حس آمیزی _____

۲. بد و اندر آویخت آن دل گسل چو معنی ز گفتار شیرین به دل

حس آمیزی





۱۳. بر دوش زمانه لحظه‌ها سنگین بود

حسن‌آمیزی

خورشید و زمین و آسمان غمگین بود (نصراالله مردانی)

۱۴. اگرچه تلخ باشد فُرقت یار

حسن‌آمیزی

در او شیرین بود امید دیدار (فخرالدین اسعد گرگانی)

حسن‌آمیزی

توجه: حسن‌آمیزی باید به تأثیر سخن بیفزاید و سبب زیبایی شود. حسن‌آمیزی باید به گونه‌ای باشد که ایجاد موسیقی معنوی کند.

۱۴. هر واژه امکان دارد در معنای حقیقی و یا معنای غیر حقیقی به کار رود. به معنای حقیقی واژه، «حقیقت» و به معنای غیر حقیقی آن، «مجاز» می‌گویند. «حقیقت»، اولین و رایج‌ترین معنایی است که از یک واژه به ذهن می‌رسد. «مجاز»، به کار رفتن واژه‌ای است در معنی غیر حقیقی؛ به شرط آنکه میان معنای حقیقی و معنای غیر حقیقی واژه، ارتباط و پیوندی برقرار باشد؛ مثال:

«پشت دیوار آنچه گویی، هوش دار تا نباشد در پس دیوار، گوش» (سعدی)

همان‌طور که می‌دانید، «گوش» اندام شنوایی است و در این معنا، «حقیقت» است و نمی‌تواند در پس دیوار بیاید؛ شاعر در این بیت، به مفهوم مجازی «گوش»، یعنی: «انسان سخن‌چین» تأکید دارد. اکنون به دو بیت زیر توجه نمایید:

ما را سرِ باغ و بوستان نیست هر جا که تویی تفرّج آن جاست (سعدی)
عالم از شور و شر عشق خبر هیچ نداشت فتنه‌انگیز جهان نرگس جادوی تو بود (حافظ)

در بیت اول، واژه «سر» در مفهوم مجازی «قصد و اندیشه» به کار رفته است. «سر» محل و جایگاه «اندیشه» است. در بیت دوم، مقصود شاعر از واژه «نرگس»، معنایی غیر حقیقی، یعنی «چشم» است. آنچه که «گل نرگس» و «چشم» را به هم می‌پیوندد و اجازه می‌دهد تا یکی به جای دیگری به کار رود، «شبهات» میان آن دو است.

▶ **استعاره:** مجاز به علاقه «شبهات» استعاره نامیده می‌شود.

● استعاره از سویی با تشبیه و از سوی دیگر با مجاز مرتبط است.

توجه: کلماتی مانند شیر که چند معنی لغوی دارند، مجاز نیستند.

در شعر این درس دو نمونه مجاز بیابید و مفهوم هر یک را بنویسید.

۱. گفت: درین **معرکه**، یکتا منم تاج سر گلبن و صحرا منم

(مجاز از پدیده‌های طبیعت)

۲. گه به **دهان**، بر زده کف چون صدف گاه چو تیری که رود بر هدف

(مجاز از سوراخ چشمه)

قلمرو فکری

۱. پس از رسیدن به دریا، چه تغییری در نگرش و نحوه تفکر «چشمه» ایجاد شد؟

● چشمه با دیدن دریا خود را حقیر و کوچک دید و خواست که شخصیت خود را در برابر دریا حفظ کند.

● حقارت و کم‌بینی و شکستن غرور

۲. معنی و مفهوم بیت زیر را به نثر روان بنویسید.

«نعره برآورده، فلک کرده کر دیده سیه کرده، شده زهره در»

● دریا خروشان و صدای او به آسمان بلند بود و در حالی که بسیار وحشت‌ناک می‌نمود؛ باعث ترس دیگران شده بود.